

تحلیل کارکردی سبک‌زندگی اقتصادی مطلوب در اسلام

محمدجواد توکلی^۱

امید ایزانلو^۲

چکیده

نظام‌های اقتصادی تحلیل‌های متفاوتی از کارکرد سبک‌زندگی اقتصادی مورد نظر خود دارند. این مقاله با استفاده از روش تحلیلی به بررسی کارکرد سبک‌زندگی اقتصادی مطلوب در اسلام در مقایسه با کارکرد سبک‌زندگی اقتصادی در دولت رفاه می‌پردازد. بنا به فرضیه مقاله سبک‌زندگی اقتصادی اسلامی به واسطه ترویج سه الگوی متمایز ولی تکمیل‌کننده تولید نافع، مصرف حد کفاف و انفاق مازاد درآمد، کاراتر، عادلانه‌تر و پایدارتر از سبک‌زندگی اقتصادی در الگوی دولت رفاه است. بر اساس یافته‌های پژوهش، الگوی سبک‌زندگی اقتصادی دولت رفاه به واسطه تحریک هم‌زمان انگیزه تولید و مصرف، فشار زیادی را به منابع اقتصادی وارد نموده و با کسره‌های ممتد بازتوزیعی مواجه است. در مقابل، الگوی سبک‌زندگی اقتصادی اسلامی به صورت هم‌زمان به تحریک تولید نافع، کنترل مصرف در حذف کفاف و تشویق انفاق مازاد درآمد در راه خدا می‌پردازد. این الگو نه تنها باعث افزایش کارایی و کمک به حفظ منابع زیست‌محیطی می‌شود؛ بلکه با سرازیر کردن مازاد درآمد افراد به سمت فقرا با کمترین هزینه ممکن به بهبود عدالت توزیعی کمک می‌نماید. از این رو، سبک‌زندگی اقتصادی اسلامی به واسطه تحقق هم‌زمان کارایی، عدالت و پایداری نسبت به سبک‌زندگی اقتصادی دولت رفاه برتر است.

واژگان کلیدی: سبک‌زندگی اقتصادی، اقتصاد اسلامی، دولت رفاه، تولید، توزیع، مصرف.

مقدمه

سبک‌زندگی یکی از مفاهیمی است که در نیمه دوم قرن بیستم مورد توجه جدی و اقبال اندیشمندان قرار گرفت. در این میان مباحث مرتبط با سبک‌زندگی اقتصادی و یا بعد اقتصادی سبک‌زندگی، اهمیت بسیاری دارد. سبک‌زندگی اقتصادی بعدی از سبک‌زندگی اجتماعی است که به شیوه خاص تعاملات و رفتارهای اقتصادی یک فرد، گروه یا جامعه اطلاق می‌شود. سبک‌زندگی اقتصادی به طور خاص به شیوه کسب درآمد، مصرف و توزیع درآمد مرتبط است. یکی از مباحث مهم در سبک‌زندگی اقتصادی مسأله تعادل و پایداری آن است. در این چارچوب سبک‌زندگی اقتصادی را می‌توان مطلوب تلقی کرد که به تعادل پایدار منجر شود. با توجه به اینکه سبک‌زندگی اقتصادی به طور عمده در سه بخش تولید، مصرف و توزیع نمایان می‌شود، تعادل در سبک‌زندگی اقتصادی به مفهوم تعادل کسب درآمد (تولید)، هزینه درآمد در مخارج مصرفی (مصرف) و همچنین پرداخت‌های انتقالی در قالب مالیات و انفاق (توزیع) است. تعادل در سبک‌زندگی اقتصادی از جهت فردی ضامن زندگی گوارا و حیات طیبه است. تعادل در سبک‌زندگی اقتصادی از جهت کلان نیز باعث ایجاد توازن بین سه بخش تولید، توزیع و مصرف می‌شود.

در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی به بررسی تطبیقی تعادل در سبک‌زندگی اقتصادی اسلامی در مقایسه با سبک‌های زندگی اقتصادی بدیل می‌پردازیم. فرضیه مقاله آن است که سبک‌زندگی اقتصادی اسلامی به واسطه ترویج ارزش‌های اصیل اسلامی در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف از ویژگی تعادل برخوردار است و از این جهت بر سبک‌های بدیل برتری دارد. برای بررسی این فرضیه پس از تبیین مفهوم سبک‌زندگی اقتصادی و تعادل آن، به تبیین ارزش‌های محوری اسلام در سه بخش تولید، توزیع و مصرف می‌پردازیم. در ادامه تعادل در سبک‌زندگی اقتصادی اسلامی در دو سطح خرد و کلان مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. انتهای مقاله نیز به مقایسه سبک‌زندگی اقتصادی دولت رفاه از نقطه نظر تعادل اختصاص دارد.

پیشینه تحقیق

در باب سبک‌زندگی اقتصادی اسلام متأسفانه آن‌چنان که شایسته است، تحقیق خاصی صورت نگرفته است. بیشتر تحقیقات صورت گرفته، حول محور سبک مصرفی در زندگی است. این پژوهش‌ها هم بیشتر از جنبه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی به سبک‌زندگی نگاه کرده‌اند. رضا معصومی راد در مقاله **سبک زندگی متناسب با الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت**، تأکید بر اخلاق کار دارد و به ارائه سبک‌زندگی متناسب با الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت در حوزه کار

و فعالیت اقتصادی می‌پردازد.

سعیده الفت و آزاده سالمی (۱۳۹۱)، مروری بر ریشه‌شناسی این مفهوم، روند تاریخی شکل‌گیری و بسط رویکردهای نظری پژوهشی، تعاریف، مؤلفه‌ها، ویژگی‌ها و عوامل مؤثر بر آن می‌پردازند. محمد سعید مهدوی کنی (۱۳۸۷) به بررسی نظریات مختلف در رابطه با سبک زندگی و ارتباط سبک زندگی با دین از دیدگاه اندیشمندان مختلف می‌پردازد. کاویانی (۱۳۹۲) به ارائه سبک‌زندگی تجویزی اسلام می‌پردازد که متشکل از دو بخش است: نخستین مرحله آن ارائه الگوی سبک‌زندگی در قالب یک درخت‌واره و دومین مرحله آن ساختن یک آزمون با تمام دقت‌های آزمون‌سازی است. طلیعه خادمیان (۱۳۹۰) به تبیین مفهوم سبک‌زندگی با توجه به بحث مصرف فرهنگی می‌پردازد. محمد فاضلی (۱۳۸۲) به بررسی بینش‌های نظری درباره، مفهوم سبک‌زندگی، چالش‌های پیش روی محققان و تبیین هر یک از این چالش‌ها به طور مجزا می‌پردازد.

همان‌گونه که روشن است تأکید عمده این تحقیقات بر تبیین مفهوم سبک‌زندگی با تأکید بیشتر بر جنبه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی است. آن دسته از پژوهش‌هایی هم که در حوزه سبک‌زندگی اقتصادی به مطالعه پرداخته‌اند، بیشتر بر حوزه مصرف در سبک‌زندگی تأکید دارند و به بررسی دو حوزه دیگر یعنی تولید و توزیع نپرداخته‌اند.

مفهوم‌شناسی سبک‌زندگی اقتصادی مطلوب

در ادبیات غربی ذیل واژه «Life Style» و یا همان سبک‌زندگی معانی و مفاهیم بسیاری تولید شده و رشد کرده‌اند. به نظر می‌رسد آلفرد آدلر نخستین اندیشمندی است که این مسأله را به صورت یک بحث مستقل و جدی مورد توجه قرار داده است (دادستان، ۱۳۷۶). وی در کتاب شناخت طبیعت انسان، سبک‌زندگی را کلیت بی‌همتا و فردی زندگی که همه فرآیندهای عمومی زندگی، ذیل آن قرار دارند، می‌داند (آدلر، ۱۳۷۹، ص ۸۹). در ادامه، توجه اندیشمندان حوزه‌های مختلف به مسأله سبک‌زندگی جلب شد (شریفی، ۱۳۹۲، ص ۱۹).

با طرح مباحث مربوط به مدرنیته، هویت، مصرف و انگیزه‌های مصرف‌کنندگان بستر مناسبی جهت رشد مطالعات و تحقیقات تجربی در زمینه سبک‌زندگی به صورت عام و سبک‌زندگی اقتصادی به صورت خاص فراهم شد. این گسترش با محوریت نظریات و آرای اندیشمندانی همچون ماکس وبر، گیدنز، وبلن، بوردیو، و پیترسون انجام گرفت.

تأکید وبلن در سبک‌زندگی اقتصادی بیشتر بر مصرف خودنمایانه است. منظور از مصرف خودنمایانه، سبک مصرفی بی‌فایده‌ای است که فراگیری آن به سال‌ها وقت نیاز دارد. وی کارکرد

مصرف خودنمایانه را ممانعت از تحرک و دسترسی دیگران به سطوح بالاتر منزلت اجتماعی می‌داند (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ص ۸۳).

زیمل انگیزه‌های درونی و عوامل فردی مؤثر بر شکل‌گیری الگوهای مصرف را بررسی می‌کند. وی بر خلاف ویلن که تحلیل الگوهای مصرف را ابزاری برای ارزیابی روند تغییرات اجتماعی قرار داد، تأثیر ظهور کلان‌شهرها بر الگوهای مصرف را تجزیه و تحلیل نمود (فاضلی، ۱۳۸۲، ص ۲۸). ویبر نیز مفهوم سبک‌زندگی را در بحث خود از گروه‌های منزلت مطرح می‌کند. وی سبک‌زندگی را بیش از آنکه با تولید مرتبط بداند بر الگوهای مصرف استوار می‌کند (همان، ص ۴۴).

تأکید عمده این آثار در حوزه سبک‌زندگی اقتصادی بر مصرف‌گرایی است. دلیل این مطلب را باید در رونق تولید انبوه پس از جنگ جهانی دوم یافت. پس از جنگ جهانی دوم از یک طرف با افزایش ثبات، امنیت، درآمد و رفاه اجتماعی، نگرانی‌ها در مورد نیازهای اولیه جای خود را به توجه به سلیقه‌ها و انتخاب‌ها در زندگی افراد و افزایش اوقات فراغت، تنوع و کثرت کالاهای تولیدی داد. از سوی دیگر، موفقیت شگردهای مختلف بازاریابی و تبلیغات مصرف به تدریج آن چنان موضوعیت یافت و بر جوامع مختلف تأثیر گذارد که موجب شکل‌گیری فرآیندی به نام مصرفی شدن جوامع و شکل‌گیری جوامع مصرفی شد. در نتیجه رونق مطالعات در حوزه جوامع مصرفی، مفهوم سبک‌زندگی با مفهوم مصرف‌گرایی پیوند یافت (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۹-۱۶۸).

باید توجه داشت که مقوله سبک‌زندگی را می‌توان در دو سطح سبک‌زندگی موجود و مطلوب بررسی نمود. سبک‌زندگی اقتصادی موجود شیوه رفتار اقتصادی است که در جامعه رواج دارد. این شیوه رفتاری تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله رسانه‌ها، نظام تعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی قرار دارد. در مقابل، سبک‌زندگی اقتصادی مطلوب، شیوه زندگی اقتصادی است که مناسب است در جامعه رواج یابد. سبک‌زندگی اقتصادی مطلوب شیوه خاصی برای کسب درآمد و هزینه آن پیشنهاد می‌نماید.

سبک‌زندگی اقتصادی مطلوب در دولت رفاه

نظام اقتصادی سرمایه‌داری و یا نظام بازار آزاد، نوعی سبک‌زندگی اقتصادی فردگرایانه بر مبنای بیشینه‌سازی لذت را ترویج می‌نماید. در اندیشه بنیانگذاران این نظام، همچون آدام اسمیت، در صورتی که هر فرد به دنبال بیشینه نمودن لذت و مطلوبیت خود باشد، منافع جمع نیز به خودی خود با کمک دست نامرئی بازار تأمین می‌شود. در چنین نظامی، کالاها و خدمات مورد تمایل مردم به شکلی بهینه تولید می‌شود و بر اساس قیمت‌های بازاری کالاها (قیمت‌هایی که عادلانه

است) فروخته شده و عواید آن بر اساس قیمت بازاری عوامل (که آن نیز عادلانه است) میان مشارکت‌کنندگان در تولید توزیع می‌شود. لازمه این نظریه پذیرش سبک زندگی اقتصادی مبتنی بر تولید و مصرف حداکثری افراد بدون نیاز به مداخله افراد و دولت برای تغییر بازتوزیع ثروت است. پس از شکل‌گیری انقلاب صنعتی در اواسط قرن نوزدهم میلادی، نظام اقتصادی سرمایه‌داری با دو مشکل تولید انبوه بدون تقاضای و فقر شدید طبقه کارگر مواجه شد. در واکنش به این مشکلات اندیشه‌های سوسیالیستی با تأکید بر اهمیت عدالت توزیعی به سرعت رشد کرد. ظهور سوسیالیست‌های تخیلی، دولتی و همچنین سوسیالیسم علمی مارکس باعث تعدیل اندیشه‌های سرمایه‌داری و شکل‌گیری اندیشه اقتصاد مختلط و ظهور دولت‌های رفاه از اوایل قرن بیستم میلادی شد.

در رویکرد جدید، دولت‌ها موظف شدند که برای کاستن از مشکل بی‌عدالتی و شکاف طبقاتی، مداخلاتی در نظام توزیع بازاری ایجاد نمایند. این هدف با استفاده از دو الگوی متفاوت دولت رفاه (دولت حداقلی و دولت حداکثری) مطرح شد. در الگوی اول فقط به یک جنبه از دولت رفاه که تحقق اشتغال کامل است، پرداخته می‌شود (محمدی و موسوی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۴).

کینز برای رسیدن به این هدف، برای دولت، در مدیریت کلان تقاضای موثر، نقش بزرگ‌تری از طریق سیاست مالی ترسیم کرد. در دیدگاه کینز، نظام سرمایه‌داری فقط در حل مشکل بیکاری شکست خورده است. وی راه حل مشکل را در تحریک جنبه تقاضا و دامن زدن به مصرف در نظر می‌گرفت. وی فقط به تعدیل کوچکی در نظام سرمایه‌داری جهت حفظ اشتغال کامل اشاره کرد و بر نیاز به تغییر شاخصه‌های دیگر سرمایه‌داری که با تحقق اشتغال کامل تضادی ندارد اعتقاد نداشت (چپرا، ۱۳۸۴، ص ۱۱۰).

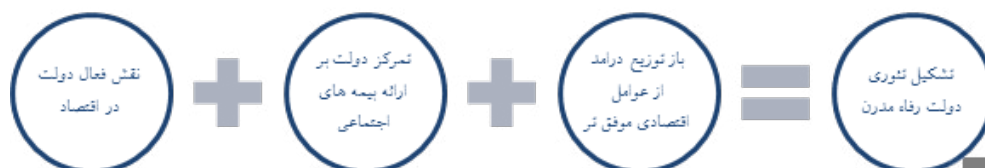
در الگوی دوم گذشته از توجه به مشکل اشتغال و رساندن سطح اشتغال به اشتغال کامل، دولت در زمینه کاهش نابرابری‌های نظام سرمایه‌داری مسئولیت‌هایی دارد (تیلور، ۱۳۹۲، ص ۲۲۳). در این نظام اقتصادی دولت وظیفه دارد که امکانات بهداشتی درمانی، بیکاری و بازنشستگی، تأمین مسکن و خدمات آموزشی و مانند آن را از زمان تولد تا مرگ برای همه شهروندان تأمین کند (آشوری، ۱۳۷۳، ص ۱۶۴).

دولت رفاه فرض می‌کند که تخصیص منابع در نظام بازار، همراه با مقداری دخالت دولت در جهت کاهش جنبه‌های منفی از قبیل عدم کارایی در عملیات بازار و نیز در جهت تعدیل حالت‌های شکست بازار که مانع دستیابی بازار به برخی نتایج مطلوب در به کارگیری منابع می‌شود، امکان‌پذیر است (چپرا، ۱۳۸۴، ص ۱۸۲-۱۸۱).

بهره‌مندی از این کالاها و خدمات و استحقاق برای آن‌ها به غنی یا فقیر بودن فرد مشروط نیست؛ بلکه بر این توقف دارد که وی شهروندی، برابر با همه افراد دیگر جامعه است. بنابراین

اصل توزیع منافع، به جای آنکه بر نیاز فرد مبتنی باشد، به صورت حق اجتماعی زیربنای غالب برنامه‌های تأمین اجتماعی است. توجیه منطقی که در ورای این مطلب نهفته، این است که توزیع منافع بر اساس ارزیابی نیاز فردی، فقط نیازمند احکام ارزشی نیست؛ بلکه این ملاک در بهینه پرتو نیز اخلال ایجاد می‌کند (چپرا، ۱۳۸۴، ص ۱۸۲-۱۸۱). بدین علت دولت رفاه کوشید تا از طریق افزایش مخارج بخش عمومی، خدمات رفاهی را به همه ثروتمندان و فقیران به صورت مساوی ارائه کند.

شکل ۱: اجزای تشکیل دهنده نظریه دولت رفاه مدرن



می توان دولت رفاه مدرن را دولتی دانست که به هدف برآوردن گستره‌ای وسیع از خدمات اجتماعی برای اکثریت جمعیت، حرکت به سوی حفظ اشتغال کامل، ملی کردن یا تنظیم شماری از صنایع کلیدی می‌پردازد؛ اما در عین حال، عمده اقتصاد در دست بنگاه‌های خصوصی باقی می‌ماند (تنسی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۶).

الگوی دولت رفاه در عمل باعث تحول در سبک‌زندگی اقتصادی مطلوب در نظام سرمایه‌داری نشد. در این الگو تولید حداکثری و مصرف حداکثری ترویج می‌شود و تنها با استفاده از ابزار مالیات - یارانه سعی می‌شود تعدیلاتی در چگونگی توزیع ثروت ایجاد شود. در این نظام نیز مصرف حداکثری و تولید حداکثری به عنوان دو ارزش محوری پذیرفته شده‌اند؛ با این تفاوت که دولت بخشی از محصول تولیدی را با استفاده از ابزار مالیات - یارانه از طبقه ثروتمند اخذ و به طبقات تهی‌دست منتقل می‌نماید.

بر این اساس بخشی از مصرف طبقه مرفه به مصرف طبقه تهی‌دست تبدیل می‌شود. این ترفند مستلزم بازنگری در الگوی مطلوب زندگی اقتصادی توصیه شده در اقتصاد سرمایه‌داری بازار آزاد نیست. به اعتقاد مارشال دولت رفاه، اقتصاد بازار سرمایه‌داری را نفی نمی‌کند؛ بلکه به دلیل وجود برخی اصولی که در زندگی متمدن امروزی اهمیت بیشتری دارند، محدودیت‌هایی بر نظام بازار به منظور تحقق این اصول تحمیل می‌شود (Robson, 1976, p.1).

دولت‌های رفاه عملاً برای حل مشکل تولید انبوه بدون متقاضی از شیوه‌های متعددی استفاده کردند. از اواسط قرن نوزدهم میلادی، پدیده استعمار کشورهای آفریقایی و آسیایی به عنوان

راه‌کاری برای عرضه محصول مازاد و همچنین استفاده از منابع اولیه این کشورها مورد استفاده قرار گرفت. کینز در دهه ۱۹۳۰ سیاست‌های تحریک تقاضای داخلی را مطرح نمود. این سیاست در اواسط قرن بیستم با مشکل رکود تورمی مواجه شد و از اعتبار آن کاسته شد. در ادامه صنعت تبلیغات بازرگانی به کمک نظام سرمایه‌داری آمد. رسالت این صنعت این بود که نیازهای مردم جهت مصرف کالاهای انبوه تولیدی را تحریک نماید. این صنعت با گسترش ابزارهای رسانه جمعی به شدت گسترش یافت. اثرگذاری این صنعت تا حدی است که در عصر جدید، مصرف‌کنندگان تعیین‌کننده تولید نیستند؛ بلکه صنایع بزرگ با استفاده از شگردهای تبلیغاتی میل به مصرف کالاها را در افراد ایجاد نموده و کالاهای متنوع خود را راهی بازارهای مصرفی می‌نمایند.

کارکرد سبک زندگی اقتصادی دولت رفاه

دولت‌های رفاه در زمینه توجه به عدالت اقتصادی و همچنین انجام اقدامات عملی نسبت به آن موفقیت‌های زیادی کسب کردند. همچنین شکل‌گیری ادبیات اقتصاد مختلط، موجب معرفی و تقویت سیاست‌های پولی و مالی جهت مدیریت تغییرات اقتصادی شد. با وجود این، دولت‌های رفاه به واسطه حفظ و ترویج سبک زندگی اقتصادی سرمایه‌داری و تکیه بر ساختار دولتی در تصحیح بازتوزیع ثروت همواره با برخی مشکلات جدی از جمله تخریب محیط زیست، کسری‌های ممتد بودجه و هزینه‌بالای بازتوزیع منابع مواجه می‌باشند.

کسری‌های ممتد دولت رفاه

افزایش مخارج مربوط به امور رفاهی، بدون وجود کاهش در مخارج دیگر بخش‌های عمومی و خصوصی که تعدیل‌کننده آن افزایش است، سبب افزایش تقاضای منابع و در نتیجه اثر منفی بر دولت رفاه شد (چپرا، ۱۳۸۴، ص ۱۱۷). به همین علت به رغم بار سنگین مالیات‌ها، کسری‌های بودجه بحرانی شد. از سوی دیگر؛ چون فرهنگ مصرفی نیز سبب افزایش هم‌زمان مخارج بخش خصوصی شد، در پس‌اندازهای این بخش افزایش متناسبی پدید نیامد. بدین ترتیب، تقاضا برای منابع بیش از حد افزایش یافت و سرانجام به عدم تعادل‌های داخلی و خارجی انجامید؛ با وجود این معضلات فقر و محرومیت تداوم و حتی شدت یافت. نیازها تأمین نشد و نابرابری‌ها نیز افزایش یافت (چپرا، ۱۳۸۴، ص ۴۹۸).

تخریب محیط زیست

از آنجا که در دولت‌های سرمایه‌داری تأکید بر مصرف بیشتر است؛ ثروتمندان، منابع را با مصرفی تهاجمی غارت، و فقیران از منابع نادری که در دسترس دارند، به حد افراط استفاده می‌کنند. نتیجه این روند آن است که منابع پایان‌پذیر، تهی، و منابع تجدید شذنی نیز به سبب عدم مدیریت درست، به منابع فناپذیر تبدیل می‌شود و حاصلی جز محیطی آلوده برای نسل‌های بعد بر جای نمی‌ماند (صادقی و فراهانی، ۱۳۸۹، ص ۲۳).

این معضل، باز پیامد تأکید غیر موجه نظام سرمایه‌داری بر ارضای امیال و رشد است (چپرا، ۱۳۸۴، ص ۱۱۵). الگوهای مصرفی فعلی نیز در حال تخریب محیط زیست کره زمین هستند. گرمایش جهانی شاید معروف‌ترین مورد از این تخریب باشد؛ اما بسیاری از عادات مصرفی دیگر نیز تأثیرات زیست محیطی عمده‌ای دارند. خودروهای بزرگ و پر قدرت، سیستم‌های تهویه، و مسافرت خارجی تماماً میزان استفاده از انرژی را افزایش می‌دهند و در گرمایش جهانی مؤثرند. خانه‌های بزرگ‌تر انرژی و منابع ساختمانی بیشتری مصرف می‌کنند، هوای آزاد را از بین می‌برند و استفاده از مواد شیمیایی سمی را افزایش می‌دهند. تمام آن سنگ‌های گرانبه‌ای که برای تزئین کابینت‌ها در آشپزخانه‌های امریکایی به کار می‌رود از کوه‌های سراسر دنیا کنده شده، و بر اثر آن چشم‌انداز طبیعت آسیب دیده است.

روزنامه و قهوه‌ای که ما هر روز مصرف می‌کنیم در تخریب و از بین رفتن تنوع جانوری تأثیر دارد. حتی چیزی به سادگی یک تی شرت هم در این تخریب نقش دارد؛ چون کاشت پنبه دلیل عمده استفاده از آفت‌کش‌ها در جهان است. مصرف کنندگان بسیار کمتر از آنچه باید، درباره تأثیرات زیست محیطی عادات مصرفی روزانه خویش آگاهی دارند (اسکور، ۱۳۸۵، ص ۲۲۸).

هزینه بالای بازتوزیع منابع

یکی از مهم‌ترین ضعف‌های ساختاری دولت رفاه پس از جنگ جهانی دوم، در رابطه ظریف میان ارتقای سطح کارایی اقتصادی و کوشش‌هایی جهت بازتوزیع منابع نهفته است. نظام‌های رفاهی ثابت کرده‌اند که نه تنها در توزیع درآمد و ثروت چندان موفق نیستند؛ بلکه خود دولت رفاه سبب پیشبرد منافع یک طبقه خاص شده است (گیدنز، ۱۳۸۲، ص ۲۳۷). از سوی دیگر برخی از اندیشمندان سیاسی بر این نکته تأکید دارند که دریافت مالیات از عده‌ای و پرداخت آن به عده دیگری، سبب خشم مالیات‌دهندگان می‌شود؛ چراکه هم‌زمان با دریافت مالیات از این عده، رفاه اینان کاهش می‌یابد (Ryan, 2012, p. 26).

از سوی دیگر در اقتصادهای رفاه همیشه به سادگی نمی‌توان تعیین کرد که مزایای حاصل

از یک برنامه دولتی عاید چه کسانی می‌شود؛ برای مثال، برنامه مراقبت‌های پزشکی که در آن دولت منابع مالی لازم برای مراقبت‌های بهداشتی از سالمندان را تأمین می‌کند، هر چند سبب بهره‌مندی سالمندان از این برنامه‌ها می‌شود؛ اما می‌توان گفت که تا حدی کمک‌های دولتی جایگزین کمک‌های بستگان فرد سالمند به او شده است. در نتیجه فرزندان افراد سالمند منفعت اصلی را از این برنامه برده‌اند (استیگلیتز، ۱۳۹۱، ص ۳۳۸)؛ از این رو بار مالی هزینه‌های دولت در توزیع مجدد منابع در این سبک زندگی رو به تزاید است.

سبک زندگی اقتصادی مطلوب در اسلام

سبک زندگی اقتصادی مطلوب در اسلام متأثر بر ارزش‌های اصیل اسلامی به خصوص ارزش‌های اسلامی در عرصه تولید، مصرف و توزیع است. در بینش اسلامی، اقتصاد اصل و زیربنا نیست؛ بلکه یکی از مؤلفه‌های ضروری جهت تحقق سعادت بشر است. به بیان دیگر، اسلام تولید، مصرف و توزیع را به عنوان اهداف غایی در نظر نمی‌گیرد؛ بلکه این امور از این حیث که اهدافی مقدماتی جهت دستیابی به قرب و تقرب خداوند هستند (نجم/ ۴۲، علق/ ۸)، مطلوب قلمداد می‌شوند.

اسلام با آسیب‌شناسی دقیق سبک زندگی اقتصادی، سب زندگی خاصی را ترویج می‌کند که از آفت‌های سبک‌های زندگی غربی به خصوص سبک زندگی اقتصادی دولت رفاه در امان است. در سبک زندگی اقتصادی مطلوب اسلامی، ارزش‌های پرکاری، قناعت و ایثار به ترتیب در تولید، مصرف و توزیع ترویج می‌شود. ترویج این ارزش‌ها باعث بهبود اوضاع اقتصادی در دو سطح خرد (وضعیت اقتصادی افراد) و کلان (وضعیت اقتصادی جامعه) می‌شود.

برای تبیین سبک زندگی اقتصادی مطلوب در اسلام می‌باید به الگوهای تولید، مصرف و توزیع در اقتصاد اسلامی توجه کرد. در سبک زندگی اقتصادی مطلوب اسلامی، نه تنها هر یک از الگوهای سه گانه مزبور کارکردی مناسب دارند؛ بلکه این الگوها در ترکیب با یکدیگر نیز به تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام کمک می‌نمایند. تشریح این کارکرد مستلزم تشریح الگوهای سه گانه تولید، مصرف و توزیع در اقتصاد اسلامی است.

الگوی تولید، مصرف و توزیع در سبک زندگی اقتصادی اسلامی

سبک زندگی اقتصادی مطلوب در اسلام بیانگر شیوه پیشنهادی اسلام جهت ساماندهی

۱. وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ.

۲. إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ.

فعالیت‌های تولیدی، مصرفی و توزیعی است. الگوهای مزبور متأثر از ارزش‌های محوری است که اسلام در سه بخش تولید، مصرف و توزیع معرفی می‌نماید. توجه به این ارزش‌ها از آن جهت مهم است که ترویج هم‌زمان این ارزش‌ها باعث شکل‌گیری سبک‌زندگی اقتصادی می‌شود که منتج به بهبود پایدار و عادلانه اقتصاد جامعه اسلامی می‌شود.

الگوی تولید اسلامی

تولید و تلاش رمز بقای یک جامعه است. در بینش اسلامی، تولید تنها برای تأمین معاش نیست؛ بلکه وسیله‌ای برای عمران و آبادانی زمین است که بشر بدان مأمور گشته است (هود/۶۱).^۱ اسلام از نظر فکری با تأکید بر تولید نافع و رعایت سود عادلانه و نهی از تبلی (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۹۵)^۲ و راکد گذاشتن سرمایه (توبه/۳۴)^۳ به دنبال ایجاد سبک زندگی متعادل اقتصادی و ایجاد ثبات اقتصادی در جامعه است. اسلام با توجه به اهمیت فوق‌العاده «تولید» در زندگی فردی و اجتماعی بشر، بر تولید نافع و طیب (مانده/۸۷^۴، کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۷۸، بحار الأنوار، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۱۸)^۵ و تلاش انسان (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۸۸)^۶ تأکید ویژه‌ای می‌کند تا جایی که قرآن کریم به طور صریح، همه بهره‌مندی‌های انسان را در گرو تلاش او می‌داند (نجم/۳۹، نساء/۳۲).^۷

از سوی دیگر اسلام طیب نبودن تولید را نهی و بر بهره‌مندی از رزق حلال تأکید دارد (نحل/۱۱۴). هنگامی که تولید با استفاده از سرمایه حرام و نامشروع انجام شود، محصول تولیدی طیب نیست (اعراف/۵۸). برای مثال، وقتی سرمایه مورد استفاده در تولید، به شیوه غیرطیب ربوی تهیه شده باشد، کالاهای تولیدی نیز طیب نخواهد بود (توکل و شفیع نیا، ۱۳۹۱، ص ۴۱). در این سبک زندگی، سبک تولید فرد یا جامعه‌ایی که هدف اصلی آن فقط حداکثرسازی سود است، با کسی که برای نفس کار ارزش قائل است و کار را نوعی عبادت می‌داند، و هدف وی از کار کردن رضایت خداست، متفاوت است. به همین دلیل تولید کننده مسلمان به هر قیمتی حاضر

۱. هُوَ أَنشَأَكُمْ مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا.

۲. قَالَ الصَّادِقُ (ع): إِيَّاكَ وَ الْكَسَلَ وَ الصَّجَرَ فَإِنَّهُمَا مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ مِّنْ كَيْلٍ لَمْ يُؤَدِّ حَقًّا وَ مَنْ صَجَرَ لَمْ يَصْبِرْ عَلَىٰ حَقٍّ؛ از کسالت و دلنگی بپرهیز؛ زیرا این دو کلید تمام بدی‌ها هستند و کسی که کسالت ورزد حقی را ادا نمی‌کند و کسی که دلنگی به خود راه دهد بر هیچ حقی شکیبنا نیست.

۳. وَ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لَا يُنفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ.

۴. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ.

۵. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ.

۶. الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءَ تِسْعَةٌ أَجْزَاءَ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ.

۷. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): الْكَادُّ عَلَىٰ عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

۸. وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (نجم/۳۹)؛ بَعْضٌ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ (نساء/۳۲).

به کسب سود نیست؛ بلکه سودی در نظر وی مطلوب است که منجر به کسب رضایت خداوند متعال شود؛ از این رو حاضر به تولید کالاهای حرام و یا کسب درآمد از طریق ربا نیست.

همچنین در روایات معصومین علیهم السلام از انسان بیکار با عنوان ملعون (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۷۲) ^۱ و انسانی که مورد تنفر خداوند متعال است، نام برده شده است. (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۶۹) ^۲ ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که هر گاه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به مردی نگاه می کرد و از دیدن او خرسند می شد، می پرسید: شغلی دارد؟ اگر می گفتند نه، می فرمود: از چشمم افتاد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۹) ^۳.

نظام اقتصادی اسلام با ترویج ارزش پرکاری و مجاهده در تولید طیب از طرفی به دنبال تأمین خدمات و نیازهای ضروری جامعه است. از سوی دیگر، اسلام کار و تلاش اقتصادی و تولید طیب را وسیله ای بر رشد و ارتقای روحی و معنوی افراد تلقی می نماید؛ از این رو، تولید طیب در رویکرد اسلامی، دارای ارزش و وسیله ای برای رسیدن به حیات طیب است.

الگوی مصرف اسلامی

آموزه های اسلام در مورد قناعت (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۱۸۳؛ کبیر مدنی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۶۰۵؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۵۷۹) ^۴، نهی از تجمل گرایی و اسراف (فرقان/ ۶۷، انعام/ ۱۴۱) ^۵ اسراف/ ۲۷) ^۶، نشان دهنده اهمیت فرهنگی مصرفی در شکل گیری سبک زندگی اقتصادی مطلوب اسلام است. بر اساس آموزه های اسلام؛ مصرف، زمینه و بستری است تا انسان بتواند بر اساس آن نیرو بگیرد و در راه تعالی و تکامل و تأمین نیازهای حقیقی و واقعی خود گام بردارد. هدف و انگیزه، صرفاً مصرف برای مصرف یا برای رفاه بیشتر نیست؛ بلکه با توجه به آنکه، انسان شأن و جایگاه بلند خلیفه الهی دارد (بقره/ ۳۰) ^۷، فاطر/ ۳۹) ^۸، انعام/ ۱۶۵) ^۹، کلینی،

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَلْعُونٌ مَنْ أَلْقَى كُلَّهُ عَلَى النَّاسِ؛ کسی که زحمت خود را بر دوش دیگران بیفکند و از حاصل زحمات دیگران برخوردار شود، ملعون است.

۲. قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَام إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَيُبْغِضُ الْعَبْدَ الْفَارِعَ؛ همانا خداوند، بنده بیکار را دشمن می دارد.

۳. رَوَى ابْنُ عَبَّاسٍ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا نَظَرَ إِلَى الرَّجُلِ فَأَعْجَبَهُ فَقَالَ هَلْ لَهُ حِرْفَةٌ فَإِنْ قَالَ لَا قَالَ سَقَطَ مِنْ عَيْنِي.

۴. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الْقِنَاعَةُ رَاحَةٌ؛ قِنَاعَتُ رَاحَتِي اسْتُ؛ قال علی ع: الْقِنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ؛ قِنَاعَتُ ثَرَوْتِي بَاطَانِ نَافِقَتِي اسْتُ که به دنبال خود عزت می آورد؛ عن الامام علی ع: مَنْ قَبِعَ لَمْ يَعْتَمَّ؛ فرد قانع اندوهگین نمی شود.

۵. الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانُوا بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا.

۶. لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ.

۷. وَلَا تُبَدِّرْ تَبْدِيرًا إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ.

۸. وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً؛ (به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در روی زمین، جانشینی [نماینده ای] قرار خواهم داد.

۹. هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ خُلَافَةً فِي الْأَرْضِ؛ او کسی است که شما را جانشینانی در زمین قرار داد.

۱۰. وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ خُلَافَةً فِي الْأَرْضِ وَ رَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ؛ و او کسی است که شما را جانشینان (و نمایندگان) در زمین ساخت، و درجات بعضی از شما را بالاتر از بعضی دیگر قرار داد.

۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۳۸) هر موضوعی که انسان را از آن مقام دور سازد و به از خود بیگانگی و خود فراموشی دچار کند، از دیدگاه اسلام مردود است (سید باقری، ۱۳۹۱، ص ۳۸).

در بینش اسلامی، اسراف، سبب سرکشی (شوری/۲۷) ^۲ بطر (سرمستی) (قصص/۵۸) ^۳ و ترف (خوش گذرانی) (اسراء/۱۶) ^۴ می‌شود. بسیاری از مخالفت‌ها با پیامبران الهی، به مترفین نسبت داده شده (سبا/۳۴) ^۵ و گفته شده که آثار فساد آنان، دامنگیر جامعه خواهد شد (اسراء/۱۶) ^۶.

خداوند متعال عدم اسراف و سخت‌گیری نکردن را از صفات مؤمنان می‌شمارد و حد وسط میان این دو را حد اعتدالی می‌داند (فرقان/۶۷) ^۷. امام صادق علیه السلام برای آنکه حد وسط را به مردم بفهمانند، مشتی شن را به دست گرفتند و دست خود را به گونه‌ای بستند که هیچ شنی به زمین نریزد و فرمودند این اقتار است. سپس مشتی دیگر در دست گرفتند و دست را طوری باز کردند که همه شن‌ها ریخت و هیچ مقداری از آن در دست نماند و فرمودند: این اسراف است و سپس مشتی برداشتند و مقداری بین انگشتان دست را باز کردند؛ به گونه‌ای که مقداری از آن‌ها ریخت و مقداری در دست باقی ماند و فرمودند: این قوام است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۵۵۸) ^۸. تأکید اسلام بر مصرف در حد کفاف به اندازه‌ای است که حتی اگر ثروتمندان زکات اموالشان را پردازند و تکالیف شرعی خود را انجام دهند، باز هم حق اینکه مصرف خود را بیش از حد کفاف قرار دهند، جایز نیست. دلیل درگیری ابوذر غفاری، صحابی بزرگ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با کعب الاحبار، مشاور خلیفه وقت (عمر) و وزیر خزانه‌داری آن زمان همین مسأله بود. ابوذر با تلاوت آیه «الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (توبه/۳۴)، معاویه را به عذاب خداوند نوید می‌داد. این سخن ابوذر در پاسخ کعب الاحبار بود که اعلام کرده بود، اگر ثروتمندان زکات اموالشان را پردازند و از بقیه پول خود خانه‌ای بسازند که جای جای آن از نقره و طلا باشد جایز است (مجلسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲۲، ص ۴۲۶ و ابن محمد، ۱۹۸۶، ج ۲، ص ۱۵۶-۱۵۷) ^۹.

۱. إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَ الدُّنْيَا كُلَّهَا بِأَسْرَهَا لِخَلِيفَتِهِ حَيْثُ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً فَكَانَتِ الدُّنْيَا بِأَسْرَهَا لِأَدَمَ وَ صَارَتْ بَعْدَهُ لِابْرَارٍ وُلْدِهِ وَ خُلَفَائِهِ؛ خداوند دنیا را با تمام آنچه در آن است، برای خلیفه خود قرار داد، آن جا که خطاب به فرشتگان می‌فرماید: من در روی زمین، جانشینی [نماینده‌ای] قرار خواهم داد، پس دنیا با تمام آنچه در او است، به آدم اختصاص یافت و بعد از وی به نیکان از فرزندان و جانشینانش.

۲. وَ لَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ.

۳. وَ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَوْمٍ بِطَرْتُمْ مَعِيشَتَهَا فَيَلِكُ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ يُسْكِرُوا مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَ كُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ.

۴. وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَوْمًا أَمْرًا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْنَا الْقَوْلُ فَنَدِمْنَا مَا نَدَمِيرًا.

۵. وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَوْمٍ مِنْ تَنْذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهُمْ إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ.

۶. وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَوْمًا أَمْرًا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْنَا الْقَوْلُ فَنَدِمْنَا مَا نَدَمِيرًا.

۷. الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانُ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا.

۸. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانُ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا - فَبَسَطَ كَفَّهُ وَ فَرَّقَ أَصَابِعَهُ وَ حَنَاهَا شَيْئًا وَ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ - فَبَسَطَ رَاحَتَيْهِ وَ قَالَ مَكَدًا وَ قَالَ الْقَوَامُ مَا يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الْأَصَابِعِ وَ يَبْقَى فِي الرَّاحَةِ مِنْهُ شَيْءٌ.

۹. فَتَنْظُرُ عُمَتَانِ إِلَى كَعْبِ الْأَحْبَارِ وَ قَالَ لَهُ- يَا أَبَا إِسْحَاقَ مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ آدَى زَكَاةَ مَالِهِ الْمَفْرُوضَةَ- هَلْ يَجِبُ عَلَيْهِ فِيمَا بَعَدَ ذَلِكَ شَيْئًا فَقَالَ لَا

حضرت علی علیه السلام در ذیل آیه ۹۷ سوره نحل^۱ نیز رعایت ارزش‌های اسلامی بالاخص قناعت در مصرف از سوی افراد جامعه را راه دست‌یابی به جامعه برتر و حیات طیبه و زندگی برتر و الگوی مناسب در زندگی آن بر می‌شمارد (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق، ص ۵۰۹).^۲

بنابراین الگوی مصرفی اسلام بر قناعت و پرهیز از تجمل‌گرایی و اسراف تأکید می‌کند که نشانگر این موضوع است که الگوی مصرف در اسلام رها شده نیست؛ بلکه مصرف باید در راه تعالی و تکامل انسان باشد تا انسان مقابل آسیب‌ها توانایی ایستادگی و شکوفایی داشته باشد.

الگوی توزیع اسلامی

انفاق در راه خداوند در قالب انفاق واجب و مستحب از جمله مؤلفه‌های محوری در فرهنگ توزیعی اسلام است (حدید/ ۷، بقره/ ۹۲، بقره/ ۲۶۱، بقره/ ۲۵۴، مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۳، ص ۱۳۳).^۳ اسلام در کنار تشویق به پرداخت خمس و زکات، مؤمنان را به انفاق مستحب و ایثار در راه خدا ترغیب می‌نماید. ایثار هنگامی محقق می‌شود که افراد نه تنها حقوق دیگران را پایمال نکنند؛ بلکه از آنچه خود دوست دارند به دیگران ببخشند. خداوند متعال در قرآن حکایت ایثار اهل بیت علیهم السلام و مقدم داشتن دیگران بر خود را به زیبایی بیان می‌نماید؛ زمانی که آنان سه روز متوالی افطاری خود را به یتیم، اسیر و مسکین بخشیدند (حشر/ ۹).^۴

ایثار، مرتبه بالاتری از عدالت است؛ امیر مؤمنان علی علیه السلام در تفاوت ایثار و عدالت می‌فرمایند: عدالت آن است که بر اساس انصاف، حق مردم به آن‌ها داده شود؛ ولی احسان آن است که علاوه بر ادای حقوق، بر آن‌ها نیکی کنی (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق، ص ۵۰۹).^۵

وَلَوْ اتَّخَذَ لَبَنَةٌ مِنْ ذَهَبٍ وَ لَبَنَةٌ مِنْ فِضَّةٍ مَا وَجَبَ عَلَيْهِ شَيْءٌ - فَرَفَعَ أَبُو ذَرٍّ عَصَاهُ فَضَرَبَ بِهَا رَأْسَ كَعْبٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ يَا ابْنَ الْيَهُودِيَّةِ الْكَافِرَةِ - مَا آتَتْكَ وَ النَّظَرَ فِي أَحْكَامِ الْمُسْلِمِينَ قَوْلَ اللَّهِ أَصْدَقُ مِنْ قَوْلِكَ حَيْثُ قَالَ «الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ - فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهِمْ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ - هَذَا مَا كَتَبْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ».

۱. من عمل صالحاً من ذكر أو أنثى و هو مؤمن فلنخبيته حياة طيبة ولنجزينهم أجرهم بأحسن ما كانوا يعملون؛ هر کس، از مرد یا زن، کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات می‌بخشیم و مسلماً به آن‌ها بهتر از آنچه انجام می‌دادند، پاداش خواهیم داد.

۲. سئِلَ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى - فَلَنُخَبِّئَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً فَقَالَ هِيَ الْقَنَاعَةُ؛ از امام علی علیه السلام پرسیدند: منظور از جمله «فَلَنُخَبِّئَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً» چیست؟ فرمود: قناعت.

۳. آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ أَنْفَقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَحْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ أَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ.

۴. لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ.

۵. مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِئَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.

۶. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِمَّا قَبْلُ أَنْ يَأْتِيَكُمْ يَوْمَ لَا يَبِيعُ فِيهِ وَ لَا حَلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ.

۷. امام صادق علیه السلام: ملعون ملعون من وهب الله له مالا فلم يتصدق منه بشيء؛ ملعون است، ملعون است کسی که خدا مالی به او بخشیده و او چیزی از آن را صدقه نداده است.

۸. وَ الَّذِينَ تَبَوَّأُوا الدَّارَ وَ الْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُجْزَوْنَ مِنْ هَاجِرٍ إِلَيْهِمْ وَ لَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَ يُوَثِّقُونَ عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقِ شَخْصٌ نَفْسَهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

۹. الْعَدْلُ الْإِنصَافُ وَ الْإِحْسَانُ التَّفَضُّلُ.

تأکید اسلام و پیشوایان دینی بر فرهنگ ایثار تنها در بعد نظری نبوده بلکه پیشوایان دینی در عمل اهمیت این گزاره فرهنگی را نشان داده‌اند. در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: همانا امیر المؤمنین هزار بنده را با پولی که از دسترنج خویش به دست آورده بود آزاد فرمود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۷۴).^۱ زمانی که خشکسالی و قحطی در مدینه ظاهر شد، امام صادق علیه السلام به کارگزار خود دستور داد گندم ذخیره منزل را در بازار بفروشد و مانند سایر مردم به صورت روزانه از آن به بعد نان منزل حضرت را ترکیبی از گندم و جو قرار دهد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۶۶).^۲ امام علیه السلام در این روایت در صدد توجه دادن عملی مردم به گسترش فرهنگ انفاق در زمان بروز سختی‌ها هستند. در فرهنگ توزیعی اسلام تأکید نظام اقتصادی اسلام بر رفع نیازها از طریق کوشش و تلاش خود فرد (نحل/۷۵، نجم/۳۹) است؛ به همین علت کسب روزی برای تأمین خود و خانواده واجب عینی است. با وجود این در جامعه افرادی وجود دارند که یا توانایی کار کردن ندارند و یا اینکه درآمد حاصل از کار آن‌ها کافی نیست. در این هنگام اسلام تأکید بر گسترش فرهنگ انفاق و ایثار دارد (صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۳۳۷). تأکید اسلام بر فرهنگ ایثار و انفاق ناشی از اعتقاد به وجود حیات جاودانه و جنبه مقدمی دنیا برای آخرت است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۸).^۳

البته ایثار در فرهنگ اسلامی محدود به چارچوب مشخصی است و این‌گونه نیست که فردی که همه زندگی خود را در راه خدا انفاق کند، لزوماً فردی مؤمن است؛ بلکه کسی که همه اموالش را در راه خدا انفاق کند و برای خود و عیال خود چیزی نگذارد، اسرافکار معرفی شده است (فرقان/۶۷)؛^۴ از این‌رو انفاق هم محدود به این گزاره است که سبب نشود زندگی به زیر حد کفاف برسد.

کارکرد سبک زندگی اقتصادی مطلوب در اسلام

ترویج سه ارزش پرکاری، قناعت و انفاق به ترتیب در سه بخش تولید، مصرف و توزیع در سبک زندگی اقتصادی اسلامی به مفهوم هدف‌گذاری افزایش تولیدات، کنترل مصرف در سطح کفاف و انتقال مازاد درآمد از طریق انفاق در راه خدا است؛ از این‌رو، سبک زندگی اقتصادی

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام : أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَ أَعْتَقَ أَلْفَ مَمْلُوكٍ مِنْ كَدِّ يَدِهِ.

۲. قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ قَدْ تَرَيْتُكَ السَّعْرُ بِالْمَدِينَةِ كَمْ عِنْدَنَا مِنْ طَعَامٍ قَالَ قُلْتُ عِنْدَنَا مَا يَكْفِيكَ أَشْهُرًا كَثِيرَةً قَالَ أَخْرَجَهُ وَ بَعَهُ قَالَ قُلْتُ لَهُ وَ لَيْسَ بِالْمَدِينَةِ طَعَامٌ قَالَ بَعَهُ فَلَمَّا بَعْتُهُ قَالَ اشْتَرِ مَعَ النَّاسِ يَوْمَ يَبُومُ وَ قَالَ يَا مَعْشَرَ أَجْعَلْ قُوتَ عِيَالِي نَصْفًا شَعِيرًا وَ نَصْفًا حِنْطَةً فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ أَنِّي وَاحِدٌ أَنْ أُطْعِمَهُمُ الْحِنْطَةَ عَلَيَّ وَ جِهَهَا وَ لَيْتَنِي أَحِبُّ أَنْ يَرَانِي اللَّهُ قَدْ أَحْسَنْتُ تَقْدِيرَ الْمَعِيْشَةِ.

۳. ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَيَّ شَيْءٌ وَ مَنْ رَزَقْنَاهُ مِتْرًا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَ جَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ.

۴. وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى.

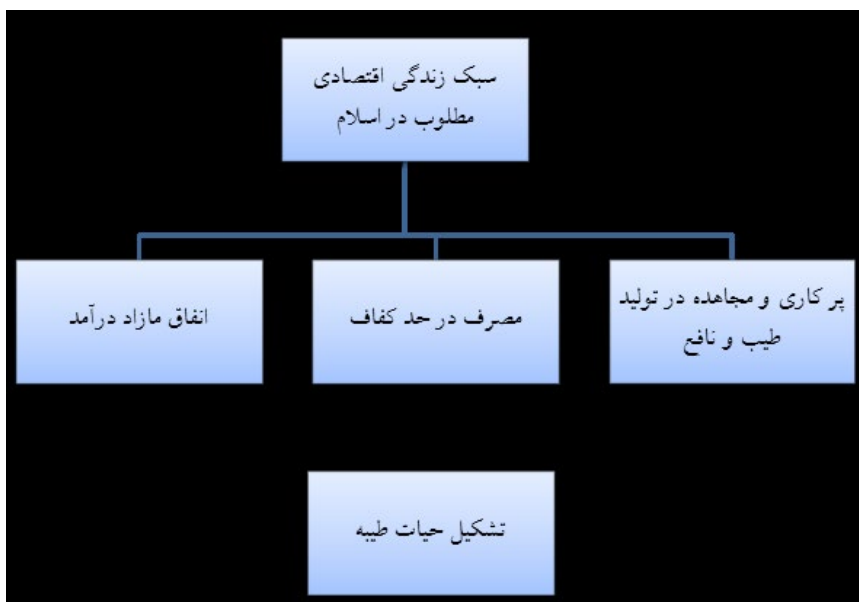
۵. إِنَّمَا الدُّنْيَا مَرْعَى الْآخِرَةِ.

۶. وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانُوا بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا.

مطلوب اسلام مبتنی بر سه ارزش قناعت در مصرف، پرکاری در تولید و انفاق مازاد مصرف است. این سبک زندگی اقتصادی سبب ایجاد تعادل در سطح خرد و کلان می شود.

سبک زندگی اقتصادی اسلام در سطح خرد، رفتار اقتصادی انسان را در سه بخش تولید، توزیع و مصرف هدایت کرده و در سطح کلان، با معرفی نظام اقتصادی در حوزه های تولید، توزیع و مصرف، انسان را به سوی حیات طیبه و پاکیزه که در قرآن، هدف زندگانی انسان معرفی شده است، راهنمایی می کند. تفاوت اساسی سبک زندگی اقتصادی اسلام، با سایر مکاتب در آموزه ها و مفاهیم ارزشی آن نهفته است.

شکل ۲. سبک زندگی اقتصادی مطلوب

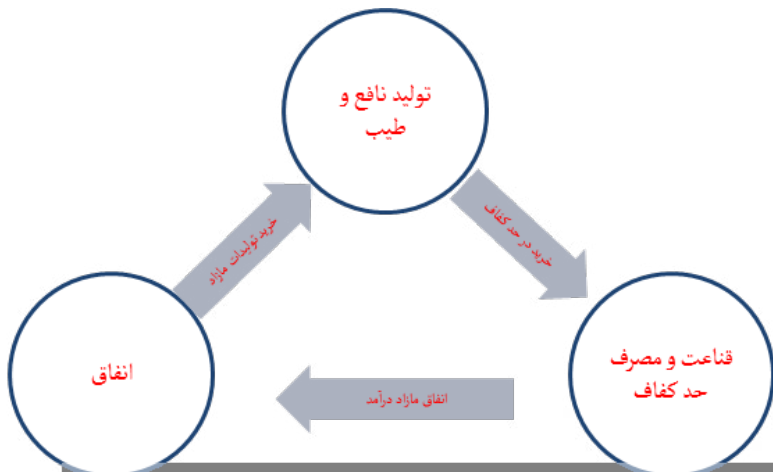


در این الگو خانوار با ارائه نیروی کار به بنگاه، کسب درآمد می کند. درآمد خانوار در دو بخش مصرف می شود: بخشی به مصرف در حد کفاف اختصاص می یابد. خانوار از بنگاه به میزان حد کفاف خریداری می کند، بخش دیگری از درآمد به نیازمندان انفاق می شود که نیازمندان با این بخش از درآمد تلاش می کنند تا زندگی خود را به حد کفاف برسانند؛ از این رو نیازمندان تولید مازاد را تقاضا می کنند.

از آنجا که مصرف کننده مسلمان، دنیا را به منزله مزرعه آخرت (کلینی، ج ۳، ص ۳۸) ^۱ در نظر

۱. اِنْمَا الدنیا مزرعة الآخرة.

می‌گیرد و تنها هدفش رسیدن به مقام عبودیت (ذاریات/ ۵۶)^۱ است؛ از این رو با میل و رغبت از مصرف خود کاهش و به مصرف سایر افراد نیازمند جامعه کمک می‌نماید. مصرف‌کننده مسلمان در سطح خرد با حداکثرسازی نفع اخروی خود، به حداکثرسازی مطلوبیت دنیوی فقرا کمک می‌کند. شکل ۳. کارکرد سیستمی سبک‌زندگی اقتصادی اسلامی



در سطح کلان نیز این نوع سبک‌زندگی منجر به بهینه شدن مصرف کل، انتقال مازاد درآمد به اقشار نیازمند جامعه و افزایش رشد اقتصادی جامعه می‌شود. این نوع سبک‌زندگی به علت انفاق مازاد درآمد و انتقال آن به فقرا منجر به رشد عادلانه می‌شود.

در این نوع سبک‌زندگی اقتصادی انسان مسلمان از یک طرف، تولید را عبادت می‌شمارد و از حاصل آن برای رفاه خود و هم‌نوعانش استفاده می‌کند. او خود را خلیفه خداوند و امانت‌دار او دانسته، هدفش از تولید، تنها حداکثرکردن سود و درآمد نیست؛ بلکه سودی را دنبال می‌کند که رضایت خداوند را به همراه داشته باشد. برای تولیدکننده مسلمان، مباحثی از قبیل از میدان به درکردن رقیب و انحصارطلبی، احتکار، گران‌فروشی و کم‌فروشی، جایی ندارد (فراهانی فرد، ۱۳۸۹). از سوی دیگر در حوزه مصرف انسان مسلمان با مصرف در حد کفاف و پرهیز از اسراف و تبذیر، به انفاق مازاد درآمد خود می‌پردازد؛ از این رو در سطح خرد به افزایش مطلوبیت فقرا و در سطح کلان به کاهش نابرابری‌های درآمدی، افزایش تولید کل و رفتن جامعه به سمت ثبات و تعادل منجر می‌شود. در سطح خرد تأکید اسلام بر پرکاری، مصرف در حد کفاف و انفاق مازاد درآمد سبب می‌شود تا مصارف تجملاتی از جامعه حذف و با انتقال مازاد درآمد به گروه‌های کم درآمد مطلوبیت دنیوی فقرا حداکثر شود. از طرف دیگر در سطح کلان نیز با کاهش مصرف فرد

۱. وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ.

مسلمان به حد کفاف و انفاق مازاد درآمد، اشتغال در جامعه بیشتر، تولید کل افزایش و مصرف کل در حد کفاف کاهش می‌یابد.

در این الگو انتقاداتی که بر الگوی سبک زندگی اقتصادی در دولت رفاه، بیان شد، وجود ندارد؛ بلکه این الگو منجر به هم‌افزایی کارآیی و عدالت، کاهش فشار مالی بر دولت و حفظ منابع طبیعی می‌شود.

هم‌افزایی کارآیی و عدالت

کارآیی، استفاده بهینه از امکانات در دسترس به وسیله فرد، خانوار، بنگاه، سازمان و دولت است. بهترین استفاده، ملازم است با عدم اتلاف منابع و ترکیب نهاده‌ها با کمترین هزینه ممکن برای ایجاد بهترین ترکیب کالاها (عبادی، ۱۳۷۰، ص ۲۵۸). این وضعیت کارآمد، لزوماً وضعیتی عادلانه نیست؛ اما در سبک زندگی اقتصادی اسلام، به علت ترویج سه ارزش پرکاری، قناعت و انفاق به ترتیب در سه بخش تولید، مصرف و توزیع در سبک زندگی اقتصادی اسلامی به منظور افزایش تولیدات، کنترل مصرف در سطح کفاف و انتقال مازاد درآمد از طریق انفاق در راه خدا، امکان تحقق هم‌زمان عدالت و کارآیی وجود دارد.

در یک سیستم اسلامی با توجه به داوری‌های ارزشی اسلامی، کارآیی اقتصادی به معنی تخصیص بهینه کالاها یا منابع اقتصادی و عوامل تولید به نحوی است که بیشترین سطح رضایت‌مندی حقیقی (به عنوان تقریبی از رضایت پروردگار) را از تولید کالاها و خدمات یا مصرف یا انفاق آن نتیجه دهد. بنابراین در دیدگاه اسلامی درباره تعریف کارآیی می‌توان تخصیص کالاها و خدمات و عوامل و منابع تولید را برای ایجاد بالاترین مطلوبیت یا رضایت‌مندی حقیقی مورد توجه قرار داد که در چهارچوب حفظ قوام اقتصادی جامعه و پایداری و تعادل حقیقی اقتصاد به کار گرفته می‌شوند (عیوضلو، ۱۳۸۶، ص ۶۳).

کاهش فشار مالی بر دولت

در سبک زندگی دولت‌های رفاهی، تنها دولت موظف به تأمین رفاه جامعه است؛ از این رو بار مالی دولت رو به تزاید است؛ اما در سبک زندگی اقتصادی اسلام، به علت حاکمیت ارزش‌ها و باورهای اسلامی خود افراد بدون نیاز به اعمال قوانین و مقررات از سوی دولت، اقدام به انفاق تمام یا بخشی از مازاد درآمد خود به نیازمندان می‌کنند و از آنجا که انسان مسلمان، خدا را در همه جا حاضر می‌داند؛ از این رو توجه بیشتری به رفاه جامعه دارد؛ از این رو تعادل در این سبک زندگی، ذاتاً با ثبات است؛ چرا که در این روش ایمان به حسابرسی در محضر پروردگار بزرگ توانای

دانا نقش بسزایی در کنترل منفعت شخصی و توجه به رفاه اجتماعی دارد؛ اما در سبک دولت رفاه، دولت به دلیل ضرورت‌های اجتماعی مجبور به اعمال قوانینی در جهت توزیع عادلانه درآمد می‌شود، و از آنجا که هدف در این نوع سبک‌زندگی فقط حداکثرسازی سود است؛ از این رو صدور مقررات فراوان و اجرای آن‌ها هزینه‌های اقتصادی سنگینی را تحمیل می‌کند. وجود این مقررات دولتی به روش نظام‌مند و سالم عمل نمی‌کند؛ زیرا کوشش‌های بسیاری صرف فرار از مقررات یا رشوه دادن به دست اندرکاران حکومت می‌شود (چپرا، ۱۳۸۴، ص ۹۰).

حفظ منابع طبیعی

با تحلیل آیه ۳۱ سوره بقره^۱ به این موضوع می‌رسیم که یکی از عناصر جامعه استخلاف است. با مطالعه این آیه ملاحظه می‌شود که جامعه زمینی از سه عنصر: «زمین»، «انسان» و «استخلاف» به وجود می‌آید. رابطه استخلاف نیز به سه صورت قابل تجلی است؛ رابطه انسان با خود، انسان با دیگران (جامعه) و انسان با طبیعت. این رابطه بیان‌گر آن است که انسان در برابر سه سرنوشت، مسئول و امانت‌دار است: «سرنوشت خویش، سرنوشت اجتماع و سرنوشت طبیعت». بنابراین نقش انسان در برخورد با زندگی‌اش نقش استخلاف است. در این جامعه زمینی، رابطه انسان با طبیعت، رابطه مالک و مملوک نیست؛ بلکه رابطه «امین» با مورد امانت است (صدر، بی تا، ص ۱۲۹). ماهیت جانشینی ایجاب می‌کند که جانشین، وظایفش را درباره آنچه به عهده او گذاشته شده به خوبی انجام دهد.

سبک زندگی اقتصادی اسلام از ظرفیت بالایی برای کاهش تخریب محیط زیست برخوردار است. هدف اساسی این سبک زندگی، تغییر در نگرش انسان به داشته‌هایش است. طبق این سبک زندگی، رابطه انسان با طبیعت، رابطه استخلاف و جانشینی است و خدا طبیعت را به امانت در اختیار انسان گذارده است تا از آن استفاده کند.

از سوی دیگر تأکید این سبک‌زندگی اقتصادی بر مصرف در حد کفاف، تولید طیب و انفاق مازاد درآمد سبب می‌شود که انسان به مقتضای جانشینی و امانت‌داری از امکانات و منابع طبیعی و زیست محیطی، مطابق با مقصود مالک حقیقی که خداست، استفاده کند. در نتیجه، حق ندارد با طبیعت رفتارهایی داشته باشد که منجر به تخریب آن می‌شود. این نوع سبک‌زندگی بر خلاف سبک زندگی سرمایه‌داری که تأکید بر بیشینه کردن مصرف به منظور حداکثرسازی مطلوبیت و بیشینه کردن تولید به منظور حداکثرسازی سود مادی دارد، سبب می‌شود که انسان در نگهداری منابع طبیعی و محیط زیست مسیری متعادل را پیماید.

۱. و اذ قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفة.

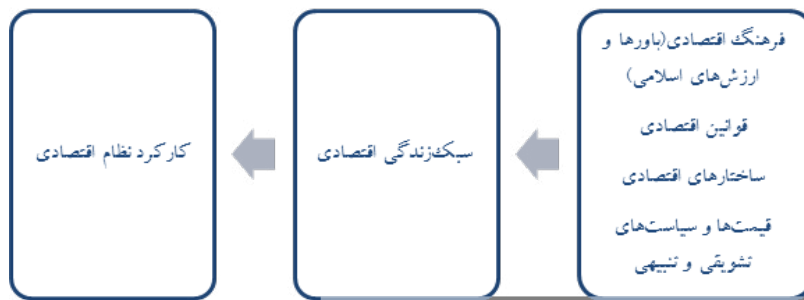
انسان‌های تربیت شده در سبک زندگی اقتصادی اسلام در مصرف منابع، اسراف نمی‌کنند؛ بلکه اهل قناعت‌اند، اعتقاد به خدا و روز قیامت و اینکه جانشین و امانت‌دار خداوند هستند، دارند؛ دنیا را مزرعه آخرت دانسته، در حفظ آن کوشا هستند، تولید را علاوه بر تأمین زندگی و معاش، عبادت تلقی می‌کنند، بنابراین هیچ‌گاه در صدد سواری مجانی و تحمیل هزینه‌های جانبی تولید و مصرف خود بر دیگران نیستند. همچنین این سبک زندگی، رفتارهای مصرفی انسان را در جایگاه خلیفه و امانت‌دار، به گونه‌ای جهت می‌دهد که در کنار تحقق رفاه خود، آسیبی به حقوق دیگران و از جمله محیط زیست وارد نسازد. اصول اخلاقی و فقهی حرمت اسراف، اتلاف و ضرررسانی و نکوهش تجمل و مصرف‌زدگی در تقویت این هدف تأثیر فراوانی دارد.

اندیشمندان سرمایه‌داری نیز به ضرورت حفظ محیط زیست رسیده‌اند؛ اما در بسیاری از موارد، با توجه به اینکه آثار فعالیت‌هایی که انسان انجام می‌دهد یا متوجه خود او نمی‌شود و یا در طی زمان طولانی اثر ظاهر می‌گردد، انسان با وجود منافع شخصی به سادگی حاضر به زیر بار رفتن اموری از این قبیل نخواهد شد؛ به‌ویژه اینکه در برخی موارد نیاز به خود گذشتگی و فداکاری وجود دارد؛ اما این مشکل در سایه تقویت ایمان حل‌شدنی است و به همین جهت بسیاری از بوم‌شناسان، ضرورت توجه به اخلاق و استمداد از ادیان را با تمام وجود حس کرده‌اند.

ساختار نهادی پشتیبان سبک زندگی اقتصادی مطلوب

هرچند شکل‌گیری سبک زندگی اقتصادی اسلامی می‌تواند کارکردهای گفته شده در بالا را ایجاد کند، عملیاتی شدن این مسأله مستلزم شکل‌گیری ساختار نهادی (فرهنگ، قانون و ساختار اجرایی) تثبیت‌کننده سبک زندگی اقتصادی مطلوب است. این امر مستلزم برنامه‌ریزی دولت در سه حوزه فرهنگ، قوانین و ساختارهای اقتصادی است؛ چرا که شکل‌گیری سبک زندگی اقتصادی مطلوب از طرفی مستلزم تغییر نگرش‌ها، تمایلات و هنجارهای اجتماعی (فرهنگ‌سازی)؛ و از سوی دیگر نیازمند شکل‌گیری قوانین و ساختار اجرایی پشتیبان (قانون و ساختارهای اجرایی) نیز است.

شکل ۴. ساختار پشتیبان سبک زندگی اقتصادی اسلامی



در میان عوامل سه‌گانه اثرگذار بر سبک‌زندگی اقتصادی، تأثیر فرهنگ اقتصادی بسیار پراهمیت است. با وجود این، تغییرات فرهنگ اقتصادی به طور معمول بسیار کند صورت می‌پذیرد؛ از این رو سیاست‌گذاری جهت تغییر فرهنگ اقتصادی نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت است.

قوانین اقتصادی نیز به عنوان قواعد رسمی حاکم بر سبک‌زندگی نقشی اساسی در شکل‌گیری سبک‌زندگی اقتصادی دارند. این قوانین از کانال حفظ حقوق مالکیت، ترسیم خطوط قرمز در تولید و مصرف، و جلوگیری از انحراف در توازن اجتماعی در ایجاد سبک‌زندگی اقتصادی مطلوب نقشی اساسی دارند. تغییرات قوانین اقتصادی نیز هر چند از نظر زمانی در برهه‌های زمانی کوتاه‌تری امکان‌پذیر است؛ ولی اثربخشی این تغییرات نیز تا حدود زیادی وابسته به شکل‌گیری تحولات فرهنگ اقتصادی است؛ زیرا تبعیت از قوانین در صورت عدم وجود زمینه فرهنگی آن، نفوذ عملی چندانی نمی‌یابد.

ساختارهای اقتصادی نیز به عنوان هسته‌های سخت اثرگذار بر رفتارهای اقتصادی نقشی اساسی در شکل‌گیری سبک مطلوب اقتصادی دارند. در این زمینه شکل‌گیری ساختارهای مدیریت اقتصادی، بازرگانی داخلی، تجارت خارجی، محیط کسب و کار، تأمین مالی و تأمین اجتماعی متأثر از باورها و ارزش‌های اسلامی از اهمیت زیادی برخوردار است. تغییرات ساختاری نیز به طور معمول زمان‌بر، پرهزینه و کند است.

با وجود این، دولت‌ها گاه در فاصله‌های زمانی کوتاه اقدام به تغییر در ساختارهای اقتصادی می‌کنند. به طور نمونه، اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی به منظور فاصله گرفتن از ساختار اقتصاد دولتی در بسیاری از کشورهای جهان انجام می‌گیرد؛ اما اگر این تغییرات نیز همراه با تغییرات فرهنگی صورت نگیرد، به این علت که افراد به دنبال حداکثرسازی نفع شخصی خود می‌باشند، از ثبات چندانی برخوردار نخواهند بود.

این نکته نیز قابل توجه است که شکل‌گیری سبک‌زندگی اقتصادی مطلوب به تنهایی نمی‌تواند مشکلات اقتصادی را حل کند؛ برای مثال، ممکن است کمک‌های مردم در قالب صدقات واجب و مستحب کفاف هزینه‌های فقرزدایی را ندهد. در این مواقع، دولت اسلامی با وضع مالیات حکومتی تلاش می‌کند تا منابع کافی برای فقرزدایی را فراهم آورد. همچنین مداخله دولت برای ایجاد توازن اجتماعی و جلوگیری از شکل‌گیری انحصارات اقتصادی نیز ضروری است. گذشته از آنکه حضور فعال دولت جهت ایجاد فرهنگ، قوانین و ساختارهای پشتیبان

سبک زندگی اقتصادی مطلوب نیز، همان گونه که گفته شد، الزامی است.

ظهور کارکردهای مثبت سبک زندگی اقتصادی اسلامی نیازمند تدوین الگوهای اجرایی هم در زمینه چگونگی ایجاد این سبک زندگی و همچنین سیاست‌های پولی، مالی جهت مدیریت تغییرات و تحولات اقتصادی است. به این سیاست‌ها باید سیاست‌های فرهنگی جهت تقویت ارزش‌های فرهنگ اقتصادی مطلوب اسلام را نیز اضافه نمود.

نتیجه گیری

مدل دولت رفاه به صورت یکی از پیشرفته‌ترین الگوهای امروزی اقتصاد سرمایه‌داری ضمن ترویج تولید و مصرف انبوه، سعی می‌کند که با استفاده از نظام اجباری مالیات - یارانه مشکل توزیع ناعادلانه ثروت را تا حدودی حل نماید. این نمونه، با وجود موفقیت‌هایی که کسب نموده، به واسطه مبتنی بودن بر اندیشه مادی‌گرایی و لذت‌گرایی در عمل با مشکلاتی جدید همچون کسری ممتد در تأمین مخارج تأمین اجتماعی، تخریب محیط زیست و هزینه‌های بالای بازتوزیع منابع روبه‌رو بوده است.

یکی از ویژگی‌های محوری نظام اقتصادی اسلام، ارائه سبک زندگی اقتصادی است که در مقایسه با سبک‌های زندگی اقتصادی متداول از جمله سبک زندگی اقتصادی دولت رفاه، عادلانه‌تر و باثبات‌تر است. این نتیجه محصول پیوستگی الگوهای اسلامی تولید، مصرف و توزیع و پایه‌گذاری آنها بر اساس ارزش‌های اسلامی است.

آموزه‌های اسلام در زمینه تولید بر تولید طیب و نافع، و رعایت سود عادلانه و نهی از بیکاری و کتز اموال تأکید دارد. در بخش مصرف، اسلام بر قناعت و نهی از تجمل‌گرایی و اسراف تأکید می‌نماید. در زمینه توزیع نیز نسبت به عدالت، انفاق، صدقات و احسان تأکید شده است. این آموزه‌ها زمینه‌ساز شکل‌گیری سبک زندگی اقتصادی است که در آن انسان مسلمان تنها به دنبال کسب منافع شخصی خود نیست؛ بلکه نفع جامعه را نیز مد نظر دارد. این رویه با کاستن از آسیب‌پذیری‌های جامعه و ایجاد ثبات در ستون‌های اقتصادی، نه تنها به تقویت کارآیی، هدر نرفتن منابع و حفظ محیط زیست و منابع طبیعی کمک می‌نماید؛ بلکه باعث بهبود عدالت توزیعی در جامعه شده و مانع از ایجاد شکاف فاحش طبقاتی می‌شود.

سبک زندگی اقتصادی اسلام با تأکید بر سازوکارهای ارزشی و باورها، به دنبال نگه داشتن مصرف در حد کفاف و انفاق درآمد مازاد بر کفاف است. اسلام بر مسلمانان واجب می‌کند که از مصارف تجملاتی و بالاتر از حد کفاف خودداری و قسمت یا تمام درآمد مازاد بر کفاف خود را به فقرا انتقال دهند؛ از این‌رو سبب حذف تقاضاهای مازاد می‌شود. بدین ترتیب، تقاضاهایی

که در تحقق عدالت مشارکت مثبت ندارند و یا باعث انحراف از آن می‌شوند، حذف می‌شوند. همچنین با تأکید اسلام بر تولید طیب و توجه به خیر اجتماعی در تولید، سازوکار نابود کردن منابع یا اتلاف آن‌ها (برای نمونه از بین بردن کالا به منظور بالا رفتن قیمت آن) را مجاز نمی‌داند؛ از این رو تولید نیز به سمت تقاضاهایی که سبب افزایش عدالت در جامعه می‌شود حرکت می‌کند و از اتلاف منابع جلوگیری می‌شود.

با رواج این نوع سبک‌زندگی اقتصادی، میزان تولیدات طیب افزایش می‌یابد، مصرف در سطح کفاف کنترل می‌شود؛ و مازاد درآمد در انفاق در راه خدا هزینه می‌گردد. چنین ساختاری از یک طرف سبب می‌شود در بعد معنوی، انسان به قرب الی الله و تعالی برسد؛ از طرف دیگر در بعد مادی سبب تخصیص بهینه همه منابع به روشی کارآمد و ایجاد عدالت توزیعی در جامعه می‌شود. این الگو، به واسطه مبتنی بودن به ارزش‌های سه گانه طیب بودن تولید، قناعت در مصرف و انفاق مازاد درآمد بر حد کفاف سبب شکل‌گیری پیشرفت پایدار و حیات طیب می‌شود. باید توجه داشت تحقق کارکردهای سبک‌زندگی اقتصادی اسلامی از سویی وابسته به شکل‌گیری ساختارهای نهادی پشتیبان (فرهنگ، قوانین و ساختارهای اقتصادی مطلوب) و از سوی دیگر منوط به تدوین نمونه اجرایی جهت تحقق آن است. در این الگوی اجرایی، تدوین سیاست‌های پولی، مالی و فرهنگی جهت ایجاد و نهادینه کردن سبک‌زندگی اقتصادی مطلوب اسلام و همچنین مدیریت مواجهه با مشکلات اقتصادی ضروری است.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ ق)، *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، قم: جامعه مدرسین، چ ۲.
۳. ابن محمد احمد بن اعثم الکوفی (۱۹۸۶)، *الفتوح*، لبنان، دارالکتب العلمیه.
۴. احمدی میانجی، علی (۱۴۲۶ ق)، *مکاتیب الأئمه*، قم: دار الحدیث.
۵. استیگلایتر، ژوزف ای.، (۱۳۹۱)، *اقتصاد بخش عمومی*، ترجمه: محمد مهدی عسگری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. اسکور، ژولیت (۱۳۸۵)، *طرح مسأله دولت رفاه و مسأله مصرف*، راهبرد یاس، ش ۵، ص ۲۳۰ - ۲۰۹.
۷. آدلر، آلفرد (۱۳۷۹)، *شناخت طبیعت انسان*، ترجمه طاهره جواهر ساز، تهران: رشد.
۸. آشوری، داریوش (۱۳۷۳)، *دانش‌نامه سیاسی*، تهران: مروارید.

۹. تنسی، استیون، (۱۳۷۹)، *مبانی علم سیاست*، ترجمه حمید رضا ملک محمدی، تهران: نشر نی، چ ۲.
۱۰. توکلی، محمد جواد و شفیع نژاد، عباس (۱۳۹۱)، «شاخص تولید خالص داخلی طیب»، معرفت اقتصاد اسلامی، ش ۶، ص ۵۳ - ۲۹.
۱۱. تیلور، گری، (۱۳۹۲)، *ایدئولوژی و رفاه*، ترجمه حسین محقق کمال و مهدی نصرت آبادی، جامعه شناسان.
۱۲. چپرا، محمد عمر (۱۳۸۴)، *اسلام و چالش اقتصادی*، ترجمه جمعی از مترجمین، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۴ ق)، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۱۴. خادیمان، طلحه (۱۳۹۰)، *سبک زندگی و مصرف فرهنگی* (مطالعه ای در حوزه جامعه‌شناسی فرهنگی و دیباچه‌ای بر سبک زندگی فرهنگی ایرانیان)، چ ۴، تهران: مؤسسه فرهنگی - هنری جهان کتاب.
۱۵. دادستان، پریخ (۱۳۷۶)، *آدلی و آدلی نگری*، روان‌شناسی، ش ۴.
۱۶. سید باقری، سید کاظم (۱۳۹۱)، *اصلاح الگوی مصرف از منظر سیاسی*، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۷. شریفی، احمد حسین (۱۳۹۲)، *سبک زندگی اسلامی ایرانی*، تهران: آفتاب توسعه.
۱۸. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ ق)، *نهج البلاغه* (للصبحی صالح)، قم: هجرت.
۱۹. صادقی، حسین و فراهانی، سعید (۱۳۸۹)، *محیط زیست از منظر دین و اقتصاد، اقتصاد اسلامی*، ش ۱۰، ص ۵۳ - ۲۳.
۲۰. صدر، محمدباقر (۱۴۱۷ ق)، *اقتصادنا*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۱. _____ (بی تا)، *المدرسة القرآنية*، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۲۲. عبادی، جعفر (۱۳۷۰)، *مباحثی در اقتصاد خرد*، تهران: سمت.
۲۳. عیوضلو، حسین (۱۳۸۶)، *شاخص‌های عدالت اقتصادی*، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ دبیر خانه کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری.
۲۴. فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، *مصرف و سبک زندگی*، قم: صبح صادق.
۲۵. الفت، سعیده و سالمی، آزاده (۱۳۹۱)، *مفهوم سبک زندگی*، مطالعات سبک زندگی، ش ۱، ص ۳۶-۹.

۲۶. فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۹)، کارکرد اقتصادی دین اسلام، قیسات، ش ۵۶، ص ۴۷ - ۲۹.
۲۷. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ ق)، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب.
۲۸. کاویانی، محمد (۱۳۹۲)، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ ق)، الکافی (ط - الإسلامیه)، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چ ۴.
۳۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم‌السلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چ ۲.
۳۱. موسوی، میر طاهر و محمدی، محمد علی، (۱۳۸۸)، مفاهیم و نظریه‌های رفاه اجتماعی، تهران: دانژه.
۳۲. مهدوی کنی، محمد سعید (۱۳۸۷)، دین و سبک زندگی، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، چ ۲.
33. Robson, William A. (۱۹۷۶), **Welfare State and Welfare Society**, Allen & Unwin ltd.
34. Ryan, Alan (۲۰۱۲), **the Making of Modern Liberalism**, Princeton and Oxford University Presses.